

# تجارت آزاد و اثرش در رشد اقتصادی

دونالد بودرو

ترجمه:

محمد ماشین چیان



سنگ

## فهرست مطالب

۹	.....	درباره‌ی نویسنده
۱۰	.....	چکیده
۱۲	.....	مقدمه
۱۴	.....	دیدگاه آدام اسمیت درباره‌ی تخصصی‌سازی و اندازه‌ی بازار
۳۲	.....	بررسی مفهوم مزیت نسبی و مفاهیمی فراتر از آن
۴۹	.....	تجارت و شغل
۶۲	.....	کسری تجاری
۸۷	.....	نتیجه‌گیری

## دیدگاه آدام اسمیت درباره‌ی تخصصی‌سازی و اندازه‌ی بازار

**تجارت تنها توسط انسان‌هایی با گوشت و خون صورت می‌گیرد**

ما با این واقعیت حیاتی آغاز می‌کنیم که اغلب اوقات نادیده گرفته شده است: تجارت تنها توسط افراد صورت می‌گیرد. کشورها تجارت نمی‌کنند. مناطق تجارت نمی‌کنند. نیمکره‌های زمین با هم تجارت نمی‌کنند. گروه‌ها، به هر شکلی که عنوان و یا تعریفی که انجام بشوند تجارت انجام نمی‌دهند. تنها افراد تجارت می‌کنند. افراد اغلب بدون آن‌که با دیگران در تجارت شریک باشند این کار را انجام می‌دهند، مانند زمانی که برای خریدن یک بستنی برای خودتان پول خرج می‌کنید یا زمانی که برای کار در جایی با یک حقوق مشخص کار می‌کنید. برخی اوقات افراد با شرکای خود تجارت می‌کنند که رایج‌ترین مثال مدرن این است که افراد منابع‌شان را می‌آورند و کسب و کارهای شرکتی چند نفره راه‌اندازی می‌کنند و هر یک از اعضا که اجازه داشته باشد می‌تواند برای شرکت خرید و فروش کند. مانند زمانی که مقامات شرکت فوردموتور که بخشی از منابع سهام‌داران فوردم را صرف ورق فلز برای تولید اتومبیل‌هایش می‌کند.<sup>۱</sup>

---

۱. حکومت هم می‌تواند تجارت کند، مثلاً برای نیروی هوایی خود هواپیما می‌خرد یا وقتی که راه آهن دولتی به مشتریان بلیط می‌فروشد. اما باز این شخصیت حقوقی خاص (حکومت) است که تجارت می‌کند و باز هم تصمیم انجام این معاملات از سوی انسان‌ها اتخاذ می‌شود.

اما حتی در بزرگترین شرکت‌های خصوصی دنیا، مدیرعاملان این سازمان‌ها به عنوان نماینده‌ی سهامداران به خرید و فروش می‌پردازند. هر یک از این سهام‌داران به طور جداگانه بخشی از این رابطه‌ی رئیس-نماینده هستند. این رابطه‌های رئیس-نماینده‌های نهادهای منحصر به فردی-مانند شرکت فورد موتور- را می‌آفرینند که هوشیارانه مدیریت می‌شوند و هدفی دارند. زمانی که تجارت و سیاست تجاری را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که با هر یک از شرکت‌های تجاری و دیگر سازمان‌های چند نفره به صورت جداگانه مواجه شویم. در مقابل، به علت اینکه کشورها یا مناطق یا ملیت‌ها چنین مدیریت یا هدف آگاهانه‌ای ندارند، پس اینکه با آنان همان‌طور روبه‌رو شویم که با یک فرد هدفمند و آگاه رفتار می‌کنیم غیرمجاز و گمراه‌کننده است. در حالی که خرید و فروش آلمانی‌ها (یا آلمان) می‌تواند تا حد زیادی مانند خرید و فروش شرکت فورد موتور بررسی و گزارش شود اما فقط گزارش شرکت فورد موتور بخشی از برنامه‌ای آگاهانه است. گزارش خرید و فروش آلمانی‌ها به سادگی نتیجه‌ی کلی افراد زیادی است که بر اساس برنامه‌ی خودشان، هدف‌هایشان را دنبال کرده‌اند. ما در ادامه اهمیت پرهیز از این تصور اشتباه را که ملیت‌ها یا کشورها، نهادهای تجاری آگاه هستند خواهیم دید.

**تجارت یک راه صلح‌آمیز واگذاری حق مالکیت به کسانی است که بیشترین بها را می‌پردازند**

مهم‌ترین دلیل تجارت، این واقعیت است که دیگر انسان‌ها چیزهایی دارند که ما می‌خواهیم. این چیزها شامل کالاهای فیزیکی مثل سیب و